

بررسی رابطه بین

## موضع نظارت، حرمت خود و پیشرفت تحصیلی

در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی

استاد راهنما: دکتر جواد اژده‌ای

استاد مشاور: دکتر علی دلاور

پایان نامه کارشناسی ارشد: مرتضی ترخان

دانشگاه تربیت مدرس - گروه روانشناسی

### چکیده

علاوه بر «هوشبهر» بالاتر، بیش‌آموزی و کم‌آموزی در میان دانش‌آموزان تیزهوش از عوامل دیگری سرچشمه می‌گیرد. «موضع نظارت» و «حرمت خود» بی‌تردید در موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموز مؤثر است. در این پژوهش، محقق سعی کرده است، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی را با دو عامل فوق‌بسنجد. ضمن توضیح اصطلاحات مزبور تفاوت دانش‌آموزان موفق و ناموفق تحصیلی را از این زاویه در خلاصه‌ای از پایان‌نامه کارشناسی ارشد ملاحظه می‌نماید. نکته قابل توجه محاسبه میانگین نمرات ثلث سوم پایه سوم راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان در علوم و ریاضی بعنوان معیار عملکرد تحصیلی بود که دانش‌آموز عادی و تیزهوش به گونه‌ای یکسان مورد پرسش قرار می‌گیرند که خود، این امکان را پدید آورد تا دانش‌آموزان پسر سال اول نظری مدارس عادی با دانش‌آموزان پسر سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان در مراکز شهر تهران مورد مقایسه قرار گیرند.

### • مقدمه

معمولاً دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش‌آموزان همسن عادی خود، از «وضعیت تحصیلی» بهتری برخوردارند. در واقع در پس این عامل تحصیلی است که دانش‌آموزان تیزهوش و ویژگی‌های آنها مکشوف می‌گردد. علاوه بر این در بسیاری از اذهان این اعتقاد وجود دارد که وضعیت مزیت یافته تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش، صرفاً انعکاسی از «هوشبهر» بالاتر آنها می‌باشد. اگر این فرض را بپذیریم، نباید شاهد نارساییها و کاستی‌های تحصیلی در میان دانش‌آموزان تیزهوش باشیم. در صورتیکه هم «بیش‌آموزی» و هم «کم‌آموزی» در میان دانش‌آموزان تیزهوش مشاهده می‌شود. این واقعیت ما را به این مهم رهنمون می‌کند که، غیر از هوشبهر بالاتر، عوامل بسیاری وجود دارد که توجیه‌کننده عملکرد تحصیلی بالای دانش‌آموزان می‌باشند. نظیر: «امکانات رفاهی خانواده»، «میزان تحصیلات خانواده و والدین»، «پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده»، «نگرش دانش‌آموز و خانواده نسبت به تحصیل»، «خودپنداره بهتر»<sup>۲۴</sup>، «خودپنداشت»<sup>۲۲</sup> مثبت‌تر، «حرمت خود»<sup>۲۳</sup> بالاتر، «موضع درونی نظارت»<sup>۱۲</sup> ... که هر یک از این عوامل می‌تواند ترجمان عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان باشد. اما آنچه در این تحقیق مدنظر بوده است، بررسی ارتباط بین «موضع نظارت» و «حرمت خود» که عبارت است از: ارزیابی و داوری درباره ارزشمندی خویش (راجرز<sup>۱۹</sup> ۱۹۸۷) یا به بیان بهتر حرمت خود عبارت است از: حسن رضامندی، خویش‌پذیری که از ارزیابی خود درباره ارزشمندی، قدر و منزلت، جذابیت، شایستگی و کفایت منتج می‌شود. (سیلورستن<sup>۲۵</sup>، ۱۹۸۸)

«موضع نظارت» به یک سازه شخصیتی اطلاق می‌شود که از نظریه یادگیری اجتماعی «جولیان راتر»<sup>۲۱</sup> نشئت گرفته است و بیانگر انتظارات تعمیم یافته وابسته به ارتباط بین اعمال شخصی و نتایج تجربه شده و انتزاعی آن اعمال می‌باشد. «موضع نظارت» مشتمل بر دو بعد «درونی»<sup>۱۱</sup> و «بیرونی» است که موضعگیری افراد را در دنیای پیرامون و رویدادهای آن مشخص می‌کند. راتر

(۱۹۷۵) براساس این دو بعد، افراد را به دو دسته تقسیم می‌نماید: افرادی که دارای «موضع بیرونی نظارت» هستند و افرادی که دارای «موضع درونی نظارت»<sup>۱۲</sup> می‌باشند. افرادی که معتقد به «موضع درونی نظارت» هستند، بر این باورند که سخت‌کوشی، دوران‌دیشی، رفتار مسئولانه، توانایی، مهارت و کوشش‌های شخصی، نقش بسزا و فزاینده‌ای در به حداکثر رساندن نتایج خوب و به حداقل رساندن نتایج بد دارد. به عبارت دیگر این گونه افراد معتقدند: ارائه تقویت و تحقق امور، مشروط به انجام عملی از طرف آنها می‌باشد و به شانس، تصادف، بخت و اقبال در تحقق امور ارزشی نمی‌دهند. اما به عکس کسانی که دارای «موضع بیرونی نظارت» هستند، بر این عقیده‌اند آنچه اتفاق می‌افتد، بستگی به شانس، قضا و قدر، نیروهای ناشناخته و غیرقابل کنترل خارجی دارد. این نوع افراد به توانایی، مهارت، دوران‌دیشی و شایستگی‌های رفتاری خود اهمیت نمی‌دهند و اصالت را به این مهم می‌دهند که رسیدن به هدف مستلزم تلاش انسان نمی‌باشد. تحقیقات مبسوط و گسترده‌ای درباره این دو متغیر، با متغیرهای دیگر در هر سطحی از اجتماع انجام گرفته است که یکی از این متغیرها، «پیشرفت تحصیلی» می‌باشد. تحقیقات موشکافانه بسیاری از محققان از جمله «سلیگمن»<sup>۲۶</sup> (۱۹۸۰)، «بارنز»<sup>۱</sup> «سادیک»<sup>۲۱</sup> (۱۹۹۲)، «بندل»<sup>۳</sup> (۱۹۸۰) «چمبرز»<sup>۴</sup> (۱۹۹۱)، نشان داده است، دانش آموزانی که واجد «حرمت خود بالا» و «موضع درونی نظارت» می‌باشند از «پیشرفت تحصیلی» بالاتری برخوردار هستند. افزون به آن، تحقیقات دقیق و مشروحی درباره «حرمت خود» و «موضع نظارت» دانش آموزان تیزهوش انجام گرفته است مانند تحقیقات «ریسمبرگ»<sup>۱۸</sup> (۱۹۷۲) «فانتوئین»<sup>۷</sup> (۱۹۷۴) «بارنز» (۱۹۹۱) «مک کلند و همکاران»<sup>۱۳</sup> و «فرانس مانکس»<sup>۱۴</sup> و «هرمن»<sup>۹</sup> (۱۹۹۲) «هوانی»<sup>۱۰</sup> و همکاران (۱۹۹۱) «ریچل»<sup>۱۷</sup> و «ویلیامسن»<sup>۳۰</sup> (۱۹۹۲) «وودلند»<sup>۳۱</sup> و «فیلیپ»<sup>۱۶</sup> (۱۹۸۲) که همگی این تحقیقات به غایت نشان داده‌اند، دانش آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش آموزان عادی از حرمت خود بالاتر و موضع درونی نظارت برخوردارند.

## • روش

براساس چنین تحقیقاتی این پژوهش بررسی این امر را مد نظر قرار داد که: آیا دانش آموزان تیزهوش کشورمان که براساس معیارهای «سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان» انتخاب شده‌اند و در همان سازمان مشغول به تحصیل می‌باشند، در مقایسه با دانش آموزان عادی از «موضع درونی نظارت» و «حرمت خود» بالاتری برخوردار هستند یا خیر؟ در بررسی چنین موضوعی چهار سؤال تحقیقی را مطرح کردیم.

## ○ بیان مسئله

- ۱- آیا «حرمت خود» دانش آموزان تیزهوش بالاتر از «حرمت خود» دانش آموزان عادی است؟
- ۲- آیا «موضع نظارت» دانش آموزان تیزهوش در مقایسه با «موضع نظارت» دانش آموزان عادی بیشتر «درونی» است؟
- ۳- آیا «پیشرفت تحصیلی» دانش آموزان تیزهوش بالاتر از پیشرفت تحصیلی دانش آموزان عادی است؟
- ۴- آیا «درصد تغییرات» پیشرفت تحصیلی توسط موضع نظارت و حرمت خود بطور مشترک در دانش آموزان تیزهوش بیشتر از دانش آموزان عادی است؟

## ○ متغیرهای تحقیق

در این تحقیق متغیر «حرمت خود» و «موضع نظارت»، بعنوان «متغیر پیش‌بینی» و متغیر پیشرفت تحصیلی بعنوان «متغیر ملاک» و سن، جنس، سطح تحصیلات، نوع رشته تحصیلی بعنوان «متغیر کنترل» در نظر گرفته شد.

## ○ هدف تحقیق

با توجه به ارتباط تنگاتنگ موضع نظارت و حرمت خود و تأثیر این دو به عملکرد تحصیلی و با توجه به اینکه بیش از  $\frac{1}{3}$

افراد جامعه را دانش‌آموزان و دانشجویان تشکیل می‌دهند و نیز این واقعیت که افت تحصیلی یا عملکرد تحصیلی پایین امری متداول و شایع در آموزش و پرورش و دیگر مراکز آموزشی است، به غایت یافته‌های این تحقیق می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات وابسته به تحصیل در مراکز آموزشی واقع گردد.

#### ○ فرضیه‌های تحقیق

به حسب سئوالهای تحقیق، چهار فرضیه تحقیقی تدوین شد که عبارت بودند از:

۱. «حرمت خود» دانش‌آموزان تیزهوش بالاتر از حرمت خود دانش‌آموزان عادی است.
۲. «موضع نظارت» دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با موضع نظارت دانش‌آموزان عادی بیشتر درونی می‌باشد.
۳. «پیشرفت تحصیلی» دانش‌آموزان تیزهوش بالاتر از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان عادی است.
۴. درصد تغییرات پیشرفت تحصیلی توسط موضع نظارت و حرمت خود بطور مشترک در دانش‌آموزان تیزهوش بیشتر از دانش‌آموزان عادی می‌باشد.

#### ○ ابزار اندازه‌گیری

در این تحقیق برای اندازه‌گیری موضع نظارت دانش‌آموزان از «آزمون موضع نظارت راتر» و برای اندازه‌گیری حرمت خود، از «پرسشنامه حرمت خود کوپراسمیت» استفاده شد و نمره ثلث سوم سال سوم راهنمایی درس علوم و ریاضی و میانگین این دو درس که دانش‌آموزان تیزهوش و عادی بطور مشترکاً مورد آزمایش قرار می‌گیرند، بعنوان معیار عملکرد تحصیلی آنها در نظر گرفته شد.

#### ○ جامعه آماری

دو نوع جامعه تحقیق در این پژوهش وجود دارد:

- الف - جامعه تحقیق «دانش‌آموزان تیزهوش»: یعنی کلیه دانش‌آموزان تیزهوش پایه اول نظری دبیرستانهای پسرانه شهر تهران که در سال تحصیلی ۱۳۷۲-۷۳ مشغول تحصیل بودند.
- ب - جامعه تحقیق «دانش‌آموزان عادی»: کلیه دانش‌آموزان عادی پایه اول نظری دبیرستانهای پسرانه شهر تهران که در سال تحصیلی ۱۳۷۲-۷۳ مشغول تحصیل بودند.

#### ○ نمونه و چگونگی نمونه‌گیری

نحوه نمونه‌گیری دانش‌آموزان عادی به این صورت بود که از مناطق بیست گانه شهر تهران ابتدا مناطق ۲، ۴، ۱۸ را بصورت تصادفی انتخاب کردیم و از میان مدارس این سه منطقه، از هر منطقه یک مدرسه (از مدرسه منطقه ۲ دو کلاس ۲۵ نفری و از مدرسه منطقه ۱۴ یک کلاس ۲۵ نفری و از مدرسه منطقه ۱۸ یک کلاس ۲۵ نفری بطور تصادفی) انتخاب شد که در مجموع ۱۰۰ دانش‌آموز عادی را در بر می‌گرفت. نمونه‌گیری دانش‌آموزان تیزهوش بدین صورت بود که از «دبیرستان علامه حلی» واقع در منطقه ۱۱- که دانش‌آموزان گزینش شده مناطق ۱ تا ۱۴ شهر تهران را در بر می‌گیرد - بطور تصادفی ۷۰ دانش‌آموز و از «مرکز آموزشی شهید بهشتی» واقع در شهرری، که دانش‌آموزان گزینش شده مناطق ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ شهرری و ورامین را شامل می‌شود به شیوه تصادفی ۳۰ دانش‌آموز انتخاب شدند. در نهایت نمونه‌نهایی این تحقیق دو گروه ۱۰۰ نفری پسر، از پایه اول نظری گردید.

#### • تجزیه و تحلیل

بعد از اینکه «آزمون موضع نظارت» و «پرسشنامه حرمت خود» بر روی دانش‌آموزان اجرا و معیار تحصیلی آنها مشخص گردید،

داده‌های مورد لزوم استخراج شده جهت تجزیه و تحلیل آماری به کامپیوتر داده شد. در تجزیه و تحلیل آماری در وهله اول برای تمام فرضیه‌ها مشخصات آماری نظیر میانگین، واریانس و انحراف استاندارد بدست آمد، و در وهله دوم برای هر فرضیه آزمون فرض انجام شد.

آزمودنیها		دانش آموزان تیزهوش			دانش آموزان عادی	
مشخصات	حرمت خود	موضع نظارت	پیشرفت تحصیلی	حرمت خود	موضع نظارت	پیشرفت تحصیلی
	تعداد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین	۳۸/۸۶	۷/۳۱	۱۸/۵۲	۳۴/۸	۸/۹۴	۱۴/۱۸
انحراف معیار	۴/۹۳	۲/۹۰	۱/۰۸	۶/۱۹	۳/۱۲	۱/۶۴

در این تحقیق مشخص شد که هر چهار فرضیه در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشند. به عبارت دیگر دانش آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش آموزان عادی از حرمت خود بالاتر، پیشرفت تحصیلی بالا و موضع درونی نظارت برخوردارند.

آزمون فرض برای فرضیه اول: چون  $t_c$  محاسبه شده (۵/۱۲) از  $t$  جدول (۲/۵۳) با درجات آزادی ۱۹۸ بزرگتر است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و با توجه به اطلاعات جمع آوری شده و با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفته می‌شود که «حرمت خود» دانش آموزان تیزهوش بالاتر از حرمت خود دانش آموزان عادی است.

آزمون فرض برای فرضیه دوم: چون  $t_c$  محاسبه شده (۳/۷۷) از  $t$  جدول (۲/۵۳) با درجات آزادی ۱۹۸ بزرگتر است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و با توجه به اطلاعات جمع آوری شده و با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفته می‌شود که «موضع نظارت» دانش آموزان تیزهوش بیشتر از موضع نظارت دانش آموزان عادی، درونی می‌باشد.

آزمون فرض برای فرضیه سوم: چون  $t_c$  محاسبه شده (۲۱/۹۹) میانگین نمره درس علوم و ریاضی دانش آموزان تیزهوش و عادی از  $t$  جدول (۲/۵۳) با درجات آزادی ۱۹۸ بزرگتر است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و با توجه به اطلاعات جمع آوری شده و با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفته می‌شود که پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تیزهوش بالاتر از پیشرفت تحصیلی دانش آموزان عادی است (که این امر از ابتدا بدیهی بنظر می‌رسید).

آزمون فرض برای فرضیه چهارم:  $R^2$  محاسبه شده بیانگر این واقعیت است که حرمت خود و موضع نظارت بطور مشترک ۴۰ درصد واریانس پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تیزهوش را مورد تبیین قرار می‌دهند در حالیکه این دو متغیر با همدیگر فقط ۱۹ درصد واریانس پیشرفت تحصیلی دانش آموزان عادی را مورد تبیین قرار می‌دهند.

#### • بحث و نتیجه گیری

«فرضیه اول» پژوهش، مبنی براینکه حرمت خود دانش آموزان تیزهوش بالاتر از حرمت خود دانش آموزان عادی است، در این تحقیق نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در قریب به اکثر واریانسها و کاوشهایی که پژوهشگران در این باب انجام داده‌اند، نشان داده شده است که حرمت خود دانش آموزان تیزهوش بالاتر از حرمت خود دانش آموزان عادی است. از جمله این تحقیقات، تحقیق چمبرز و همکاران (۱۹۹۱)، دو مطالعه تطبیقی حرمت خود دانش آموزان تیزهوش و عادی «پلیتیو»<sup>۱۵</sup> و همکاران (۱۹۹۱)، می‌باشد. دو تبیین می‌توان برای بالابودن حرمت خود دانش آموزان تیزهوش ارائه داد:

○ تبیین نخست: «کوپراسمیت» (۱۹۸۷)، معتقد است چهار عامل در تحول حرمت خود آدمی نقش فزاینده‌ای دارند که عبارتند از:

۱. ارزشی که کودک از سوی دیگران چون پدر و مادر، خویشاوندان و دوستان دریافت می‌دارد.

۲. تجربه همراه با موفقیت کودک

۳. تعریف شخصی کودک از موفقیتها و شکستها

۴. شیوه برخورد کودک در ارتباط با «پسخوراندنهای منفی» یا انتقاد محیط از آنجا که دانش‌آموزان تیزهوش در ارتباط با چهار عامل فوق از برخورد سازنده‌تر و مثبت‌تری برخوردارند، بنابراین واجد حرمت خود بالا هستند.

○ تبیین دوم: در بسیاری از تحقیقات از جمله تحقیق «بارنز»<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) مشخص شده است، حرمت خود بالا محصول تجارب موفقیت‌آمیز می‌باشد. از آنجا که دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش‌آموزان عادی در اکثر زمینه‌ها بالاخص در زمینه تحصیل، از موفقیت‌های چشمگیرتری برخوردارند و در نتیجه، پسخوراندنهای مثبت و سازنده‌تری از ناحیه محیط دریافت می‌دارند، بنابراین حرمت خود آنها بالاتر می‌باشد و جالبتر آنکه حرمت خود بالا هم به نوبه خود منجر به پیشرفت تحصیلی بالا خواهد گشت. در نتیجه براساس این کنش دوسویه، دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش‌آموزان عادی از حرمت خود بالا و عملکرد تحصیلی بهتر برخوردارند.

○ فرضیه دوم: مبنی بر اینکه «موضع نظارت» دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با موضع نظارت دانش‌آموزان عادی بیشتر «درونی» می‌باشد، در این تحقیق مورد تأیید قرار گرفته است.

همانطوریکه قبلاً اشاره داشتیم، از جمله دلایل اصلی موضع درونی نظارت افراد، سابقه مستمر موفقیت آنها می‌باشد. از آنجا که دانش‌آموزان تیزهوش سابقه مستمر موفقیت دارند، بنابراین انتظارات بالایی برای موفقیت دارند. با چنین انتظاراتی، وقتی در یک امتحان با شکست مواجه می‌شوند، این شکست را یا به عوامل خارجی نسبت می‌دهند یا به عوامل درونی. معمولاً وقتی به عوامل خارجی نسبت می‌دهند به عوامل بی‌ثبات و قابل کنترل نسبت می‌دهند و وقتی به خودشان نسبت می‌دهند این نسبت متوجه فقدان کوشش «خود» می‌باشد. در نتیجه برای دفعات بعدی تلاش بیشتری می‌کنند، بدین ترتیب انتظارات آغازین آنها دستخوش اغتشاشات درونی و خارجی نمی‌گردد. اما افرادی که دارای موضع بیرونی نظارت هستند، از آنجا که سابقه مستمر موفقیت کمتری دارند، در نتیجه انتظار پایینی برای موفقیت دارند. بنابراین وقتی که در امتحانی با شکست مواجه می‌شوند یا آنرا به عوامل خارجی نسبت می‌دهند و یا به عوامل درونی. با این فرض که وقتی به عوامل خارجی نسبت می‌دهند این عوامل محیطی، با ثبات و غیرقابل کنترل هستند؛ در نتیجه هیچ تلاشی برای جبران آن نمی‌کنند و وقتی اسناد متوجه خود است بیش از به «فقدان کوشش»، به «فقدان توانایی» خود نسبت می‌دهند و در نتیجه این اسناد، از تلاش و کوشش دست برمی‌دارند و انتظارات آغازین آنها دستخوش تزلزل می‌گردد. بنابراین از آنجا که دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش‌آموزان عادی از موفقیت چشمگیرتری در زمینه تحصیلی برخوردارند، واضح است که از موضع درونی نظارت و انتظارات بالا برای موفقیت برخوردار باشند.

○ فرضیه سوم: مبنی بر اینکه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش‌آموزان عادی بالاتر می‌باشد، در این تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. در ابتدای مقاله اشاره شد که پیشرفت تحصیلی به عوامل زیادی از جمله موضع درونی نظارت و حرمت خود بالا بستگی دارد. در این تحقیق هم مشاهده گردید که این دو متغیر در دانش‌آموزان تیزهوش ۴۰ درصد و در دانش‌آموزان عادی ۱۹ درصد پیشرفت تحصیلی آنها را مورد تبیین قرار دادند. اینکه چگونه این دو متغیر، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهند در «فرضیه چهارم» مورد بحث قرار می‌گیرد.

○ فرضیه چهارم: مبنی بر اینکه میزان تغییرات پیشرفت تحصیلی توسط موضع نظارت و حرمت خود بطور مشترک در دانش‌آموزان تیزهوش، بیشتر از دانش‌آموزان عادی است، در این تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. در واقع این فرضیه روشن ساخته است که دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش‌آموزان عادی، از حس رضامندی، خویش‌پندیری، ارزشمندی، قدر و منزلت، جذابیت، شایستگی، توانایی، کفایت و قابلیت بیشتری برخوردارند و افزون به آن معتقدند موفقیتها و شکستهای حاصله، محصول تلاش و عدم تلاش و تواناییهای آدمی می‌باشد، بطوری که شانس و نیروهای ناشناخته محیطی در آن یا سهمی ندارند و

یا از سهم بسیار اندکی بهره می‌گیرند.

اینکه چگونه حرمت خود و موضع نظارت می‌توانند بطور مشترک توجیه‌کننده پیشرفت تحصیلی باشند، تبیین‌های مختلف از سوی محققان ارائه شده که به چند و چون کلی چهارنمونه از آنها اشاره خواهیم داشت.

□ «تبیین نخست» براساس فرضیه «همگرا» و «واگرایی» ویتسن<sup>۲۹</sup> و بایمل<sup>۲</sup> می‌باشد (هاستن<sup>۱</sup>، ۱۹۷۲). براساس این فرضیه، «موقعیت همگرا» برای دانش‌آموزانی که واجد موضع بیرونی نظارت هستند، موقعیتی است که بوسیله شانس، تصادف، بخت و اقبال تعیین می‌گردد و «موقعیت همگرا» برای دانش‌آموزانی که دارای موضع درونی نظارت می‌باشند، موقعیتی است که بوسیله توانایی‌ها و کوششهای شخصی مهار گردد. براساس این فرضیه، اگر دانش‌آموزان در موقعیت ناهمگرا قرار گیرند، اضطراب بر آنها مستولی می‌گردد و این اضطراب به نوبه خود منجر به نقصان عملکرد فرد در تکالیف می‌شود از آنجا که موقعیت مربوط به نظام آموزشی کشورمان، موقعیتی است که توسط تواناییها و کوششهای شخصی نظارت می‌گردد به عبارت دیگر قبول شدن یک دانش‌آموز در یک درس و یا گذر از یک کلاس به کلاس بالاتر به توانایی‌ها و کوششهای شخصی او بستگی دارد، در نتیجه چنین موقعیتی، همگرا با موضع نظارت کسانی است که واجد موضع درونی نظارت می‌باشند. بنابراین از آنجا که دانش‌آموزان تیزهوش از یک طرف دارای موضع درونی نظارت می‌باشند و از طرفی دیگر واجد حرمت خودبالاتر می‌باشند، در چنین موقعیتی در مقایسه با دانش‌آموزان عادی، کمتر دچار اضطراب و تنیدگی<sup>۲۷</sup> می‌گردند به همین خاطر از عملکرد تحصیلی بالاتری برخوردار می‌باشند.

□ «تبیین دوم» براساس «نظریه ناهماهنگی شناختی» می‌باشد. براساس این نظریه وقتی دانش‌آموزان تیزهوش در یک امتحان با شکست مواجه می‌شوند و یا نمره کمتری در یک درس می‌گیرند، از آنجا که در مقایسه با دانش‌آموزان عادی «پسخوراندهای منفی» بیشتری را از ناحیه والدین، دوستان، خویشاوندان، معلمان و مدیران دریافت می‌دارند، بیشتر احساس ناراحتی می‌کنند. اما از آنجا که این نوع دانش‌آموزان معتقد به موضع درونی نظارت می‌باشند، چنین شکستی را بیش از آنکه به ناتوانیهای خود نسبت دهند به فقدان کوششهای خود نسبت می‌دهند، در نتیجه برای جبران شکست خود تلاش بیشتری می‌کنند و براساس این تلاش، به پیشرفت تحصیلی بالاتر دست می‌یابند. بدین خاطر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش بالاتر از دانش‌آموزان عادی است.

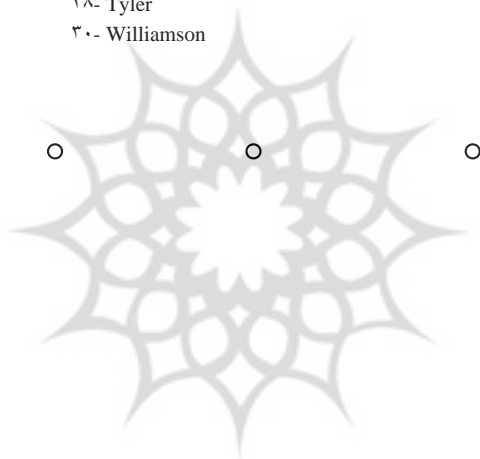
□ «تبیین سوم» براساس «الگوی درماندگی آموخته شده» سلینگمن (۱۹۸۰)، می‌باشد. براساس نقطه‌نظر این الگو، از آنجا که دانش‌آموزان عادی در مقایسه با دانش‌آموزان تیزهوش، بیشتر واجد موضع بیرونی نظارت می‌باشند و از حرمت خود پایین‌تری برخوردارند و با توجه به این واقعیت که با شکستهای تحصیلی بیشتری مواجه می‌شوند، در نتیجه احساس درماندگی بیشتری در امر تحصیل دارند، به بیان بهتر از آنجا که دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش‌آموزان عادی در برابر شکستهای تحصیلی خود، کوششهای بیشتری می‌کنند و احساس درماندگی کمتری دارند، از پیشرفت تحصیلی بالاتری برخوردارند.

□ «تبیین چهارم» براساس نظریه «خبرپردازی» تایلر<sup>۲۸</sup> و همکارانش (۱۹۸۹)، می‌باشد (به نقل از بارنز، ۱۹۹۱). براساس این نظریه، دانش‌آموزان عادی در مقایسه با دانش‌آموزان تیزهوش، چون دارای حرمت خود پایین و موضع بیرونی نظارت می‌باشند، در رابطه با تجارب دردناک زندگی، نظیر شکست تحصیلی، بیشتر دارای ادراکات منفی می‌گردند و با توجه به اینکه چنین دانش‌آموزانی، دارای خصیصه «بیش‌تعمیمی» هستند، ادراکات منفی را به سایر جوانب، تعمیم می‌دهند و این تعمیم به نوبه خود باعث می‌شود، آنها به فقدان توانایی خود اعتقاد پیدا کنند و از هرگونه تلاش و کوشش بازمانند و نتوانند با مشکلات خود برخورد درستی داشته باشند. اما از آنجا که ادراکات منفی و خصیصه بیش‌تعمیمی در دانش‌آموزان تیزهوش، در مقایسه با دانش‌آموزان عادی به مراتب کمتر می‌باشد (به علت حرمت خود بالا و موضع درونی نظارت) آنها بهتر با مشکلات تحصیلی خود دست و پنجه نرم می‌کنند و بالطبع به موفقیت بیشتری دست می‌یابند. براین اساس است که دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش‌آموزان عادی، از عملکرد تحصیلی بالاتری برخوردارند.

به غایت، همه تحقیقاتی که در زمینه حرمت خود، موضع نظارت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تیزهوش و عادی صورت گرفته است، جملگی در این نظر، متفقند که دانش آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش آموزان عادی، بیشتر از «موضع درونی نظارت»، «حرمت خود» و «عملکرد تحصیلی» بالاتری برخوردارند.

#### یادداشتها

- |                              |                               |
|------------------------------|-------------------------------|
| ۱- Barens                    | ۲- Baumal                     |
| ۳- Bendell.D                 | ۴- Chambers                   |
| ۵- External Locus of Control | ۶- Feedback                   |
| ۷- Fintoine                  | ۸- Houston. B                 |
| ۹- Herman                    | ۱۰- Hwany                     |
| ۱۱- Internal                 | ۱۲- Internal locus of control |
| ۱۳- Mc Clelland              | ۱۴- Monks                     |
| ۱۵- Peiletiev.G              | ۱۶- Philip                    |
| ۱۷- Rachel. S                | ۱۸- Risemberg                 |
| ۱۹- Rogers                   | ۲۰- Rotter. B. J              |
| ۲۱- Suddick. D               | ۲۲- Self-concept              |
| ۲۳- Self-esteem              | ۲۴- Self-image                |
| ۲۵- Silverston.H             | ۲۶- Sligman. E. M             |
| ۲۷- Stress                   | ۲۸- Tyler                     |
| ۲۹- Wietson                  | ۳۰- Williamson                |
| ۳۱- Woodland                 |                               |



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی